

## تأثیر انقلاب اسلامی در احیای آموزه‌های مهدویت

محمد مهدوی<sup>۱</sup>

صفیه جعفرپور<sup>۲</sup>

### چکیده

**هدف:** محققان در این مقاله، در پی شناسایی نقش انقلاب اسلامی ایران در رشد و توسعه اندیشه مهدویت و احیای آموزه‌های مهدویت بودند. **روش:** تحقیق حاضر از نوع اسنادی است و با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. **یافته‌ها:** انقلاب اسلامی در شناساندن اهداف متعالی به مردم، تبیین معنا و مفهوم صحیح و درست از انتظار، الگوسازی برای نسل منتظر، امیدواری به انقلاب جهانی مهدوی، آماده‌سازی در حوزه فردی و اجتماعی برای نزدیک ساختن عصر ظهور منجی، خودباوری و تصمیم به زمینه‌سازی ظهور و ... ایفای نقش کرده است. **نتیجه‌گیری:** تحقیق حاضر نشان داد که انقلاب اسلامی یک گام بسیار اساسی به سمت ظهور است؛ حرکتی متکی بر قرآن، سنت و امامت که با وقوع آن، توجه جهانی به مهدویت و موعود وارد فضای جدیدی شده است؛ زیرا با ابتدا بر مبانی دینی و شیعی، نگرشی نو و ابتکارگونه به موضوع مهدویت ارائه کرده است که در گذشته تفکر و اندیشه اسلامی مغفول واقع شده بود یا لاقلاً برجستگی کنونی را نداشت.

**واژگان کلیدی:** مهدویت، انقلاب اسلامی، آموزه‌های مهدویت، امام خمینی (ره).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

دریافت مقاله: 97/06/20، تصویب نهایی 98/02/10.

1. سطح 4 حوزه علمی قم، استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول) / نشانی: تبریز، خیابان 29 بهمن، دانشگاه تبریز، دانشکده الهیات و علوم اسلامی، گروه معارف اسلامی / شماره: 04133392237 / Email: mo.mahdavi@tabrizu.ac.ir
2. کارشناس ارشد، حوزه علمی خواهران فاطمه الزهرا (س) تبریز.

## الف) مقدمه

با توجه به ماهیت دینی انقلاب اسلامی، یکی از حوزه‌های بسیار مهمی که مورد توجه رهبران دینی و بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی قرار گرفت و حتی هدفگذاری و برنامه‌ریزی معطوف به آینده بر اساس آن شکل گرفت، آموزه مهدویت بود. انقلاب اسلامی به عنوان تنها انقلاب دینی بین انقلابهای موجود جهان توانست نظم نوینی را در جامعه حاکم کند و تغییرات اساسی و بنیادینی را در حوزه‌های مختلف رقم بزند. این انقلاب، نگرشی نو و ابتکارگونه به بسیاری از مقولات دینی ارائه کرد که یکی از نمودهای آن، مربوط به حوزه مهدویت و به طور مشخص بحث انتظار و ضرورت فراهم ساختن مقدمات ظهور امام مهدی (عج) است.

در تبیین نسبت بین انقلاب اسلامی و انقلاب جهانی حضرت مهدی (ع) دو رویکرد وجود دارد. رویکرد اول معتقد است عصر ظهور آغاز شده و انقلاب اسلامی ایران، نقطه شروع و آغازگر این تحول عظیم و فراگیر است. به عبارت دیگر؛ ظهور امام زمان (عج)، فرایندی است که وقوع انقلاب اسلامی مبده و جزئی از آن است. این رویکرد با استناد به برخی از روایات و اخبار وارده در متون حدیثی و با تطبیق و انطباق آنها بر انقلاب اسلامی، مدّعی خود را مطرح می‌کند؛ از جمله این روایات که: «سید بزرگواری از ذریه اهل بیت (ع) پیش از ظهور حضرت قائم (عج) حکومت می‌کند و مقدمات دولت آن حضرت را فراهم می‌نماید و مردم را متوجه تقوا و پرهیزکاری می‌نماید و طبق احکام اسلامی عمل می‌کند. وی اهل سازش و رشوه‌گیری نیست» (کورانی، 1375: 235). لذا در نظر این گروه، «خصوصیات و ویژگی‌هایی که در روایت آمده است، بر امام خمینی تطبیق می‌کند» (همان: 238). اما رویکرد دوم با پرهیز از هر گونه تطبیق و انطباق روایات ظهور بر انقلاب اسلامی، امیدوار است که انقلاب اسلامی بتواند مقدمات و زمینه لازم را برای ظهور حکومت مهدوی فراهم کند. بر این اساس، انقلاب اسلامی نقش «زمینه‌ساز» ظهور را پیدا می‌کند، نه اینکه خود بخشی از فرایند ظهور باشد. این رویکرد معتقد است «یکی از حکمت‌های غیبت، تحقق آمادگی جهانی برای قیام حضرت مهدی تلقی شده و با توجه به عدم آمادگی جهان، غیبت آن حضرت ضرورت دارد» (آذرشین‌فام، 1393: 187). بر این اساس، رسالت انقلاب اسلامی، تمهید مقدمات و زمینه‌سازی لازم برای ظهور حکومت مهدوی است و لذا نقش «زمینه‌ساز» ظهور را پیدا می‌کند، نه اینکه خود بخشی از فرایند ظهور باشد. (آل‌نی، 1396: 136)

این نوشتار بر آن است که نقش انقلاب اسلامی را در گسترش و تعمیق باور به مهدویت بررسی کند و نشان دهد که انقلاب اسلامی چه رسالتی برای خود در حوزه آماده‌سازی فرد و اجتماع برای نزدیک ساختن عصر ظهور منجی تعریف کرده است و مؤلفه‌ها و عناصر این آماده‌سازی چیست؟

## ب) چارچوب مفهومی

مفاهیم و نظریه‌ها، سنگ بنای شناخت پدیده‌ها را شکل می‌دهند. به همین دلیل، شایسته است مبتنی بر عنوان تحقیق، ابتدا به ارکان مفهومی و سپس به نقش انقلاب اسلامی ایران در احیای آموزه‌های مهدویت پردازیم. با توجه به گستره تعاریف و رویکردهای نظری مرتبط با هر یک از این عناوین و محدودیت حجمی پژوهش، از تعاریف متکثر انقلاب و مهدویت، مبتنی بر یک درک کلی و نسبی عبور می‌کنیم و در طول نوشتار، تعاریف و برداشتهای مفهومی مختار را به صورت ضمنی ارائه خواهیم کرد.

**1. انقلاب:** انقلاب در تصویری کلی، دگرگونی بنیادی در همه زمینه‌های اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، حقوقی و به ویژه سیاسی است نسبت به آنچه پیش از انقلاب استوار بوده است. این دگرگونی‌ها همیشه با سرنگونی نظام سیاسی حاکم پیش می‌آید و اغلب با رفتار خشونت‌آمیز و خونریزی همراه است (عبدالمحید، 1370: 364). استاد مطهری در تعریف انقلاب می‌گوید: انقلاب عبارت است از طغیان و عصیان مردم یک ناحیه یا سرزمین علیه نظم حاکم موجود برای ایجاد نظمی مطلوب. از این رو، ایشان ریشه انقلاب را در دو چیز می‌داند: نخست، نارضایتی و خشم از وضع موجود و دوم، آرمان یک وضع مطلوب. (مطهری، 1362: 29-30)

**2. انقلاب اسلامی:** به طور کلی، انقلاب اسلامی را می‌توان این گونه تبیین کرد: انقلاب اسلامی عبارت است از دگرگونی بنیادی در ساختار کلی جامعه و نظام سیاسی آن، منطبق بر جهان‌بینی و موازین و ارزشهای اسلامی و نظام امامت که بر اساس آگاهی و ایمان مردم و حرکت پیشگام متقیان و صالحان و قیام قهرآمیز توده‌های مردم صورت می‌گیرد. (عبدزنجانی، 1367: 21-22)

**3. مهدویت:** «مهدویت» مصدر جعلی «مهدی» و عبارت است از اعتقاد به ظهور مهدی موعود (عج) و تشکیل حکومت عدل به دست آن حضرت. و تمام مسائل مربوط به آن حضرت با این عنوان ارائه می‌شود.

به عبارت دیگر؛ مهدویت، اعتقاد به پدید آمدن حکومت عدل همگانی توسط حضرت مهدی است (نونه‌ای، 1389: 711). پس منظور از مهدویت، مجموعه‌ای از ارزشها، باورها، رفتارها، نمادها و شاعیری است که در پرتو اعتقاد به امام دوازدهم شیعیان و منجی بودن ایشان در آخرالزمان شکل گرفته است. (پرهیزگار، 1393: 20)

**4. آموزه مهدویت:** آموزه عبارت از مجموعه‌ای از نظریه‌ها و تعالیم فلسفی، سیاسی، علمی یا مانند آنهاست و به معنای اصول عقاید، نظریه و دکترین نیز آمده است (نوری، 1382: 161). البته به اندیشه مهدویت با دو رویکرد کاملاً متفاوت ذیل می‌توان نگریست:

**یک) رویکرد گزاره‌ای یا تک‌واره‌ای:** مراد از این رویکرد، پرداختن به موضوعات، مسائل، روایات، توقیعات، ادعیه، داستانهای مهدوی یا بخشی از آنها به صورت موردی و جزئی است. (پورسید آقایی، 1386: 6)

**دو) رویکرد آموزه‌ای:** به رویکرد جامع و سامان‌مند در برابر نگاه گزاره‌ای و موردی گفته می‌شود. بنابراین، با توجه به تعریفی که از مهدویت ارائه شد، آموزه مهدویت به معنای مجموعه معارف منسجم و نظام‌مند درباره حضرت مهدی و اعتقاد به وجود امامی است که وارث فرهنگ وحی است و جهانیان در انتظار او به سر می‌برند. (جمعی از نویسندگان، 1391: 83)

### ج) روش پژوهش

تحقیق حاضر از نوع اسنادی است و با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. بدین منظور، مدارک موجود و داده‌های حاصل از آن، با استفاده از تکنیکهای تحلیل کیفی بررسی شد. برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها، با در نظر گرفتن جامعیت (در بر گرفتن تمام واحدها) و مانعیت (واحدهای جداکننده از دیگر مؤلفه‌ها)، از توصیف و طبقه‌بندی اطلاعات به دست آمده استفاده و در مرحله پردازش، نتایج بحث و تفسیر شد.

### د) یافته‌های تحقیق

#### 1. نگاه حداقلی به آموزه مهدویت در فضای فکری پیش از انقلاب

آموزه ظهور منجی، از آموزه‌های مشترک و فراگیر ادیان آسمانی و تحقق‌بخش آرمان دیرپای بشری برای زندگی در مدینه فاضله است. هرچند چنین آرمانی تاکنون محقق نشده، اما مؤمنان با توجه به تعالیم پیامبران، همواره چشم به راه آن بوده‌اند. با وجود آنکه تحقق چنین جامعه‌ای طول کشیده، اما این آموزه از آرمانهای تغییر نیافته و پایدار انسان طی قرن‌ها و از مسلمات اعتقادی مشترک ادیان مختلف آسمانی بوده است؛ تا جایی که اعتقاد به حتمی بودن ظهور موعود نجات‌بخش جهان، در مکاتب مادی نیز راه یافته است. (طاهری، 1388: 64)

پیش از انقلاب اسلامی، توجه به امام مهدی (عج) تنها به عنوان منجی موعود و نجات‌بخشی بود که در آینده‌ای نامشخص می‌آید و به همه دردها و نابرابری‌ها پایان می‌دهد. در واقع؛ تمرکز و نقطه ثقل مباحث مهدویت بر عصر ظهور استوار می‌شد و هیچ چشم‌انداز روشنی برای اصلاح امور و بهبود وضع جامعه در عصر غیبت نبود و در مقابل حرکت‌های استکباری، مهر سکوت بر دهان زده و راه انزوا و عزلت‌نشینی را پیشه کرده بود، به امید روزی که امام غایب ظهور کند و ریشه مظالم را از بین ببرد.

این برداشت منفعلانه و انزواگرایانه از مفهوم انتظار، باعث رکود و انفعال و انزواگرایی سیاسی شیعیان بود. لذا انتظار منفی و تعطیلی حکومت مشروع، مدتی طولانی بر اندیشه اندیشوران شیعه چیره شد. به نظر می‌رسد تجربه تاریخی این نگاه، شیعه را به این ذهنیت رسانده بود که تنها دو مدل حکومت وجود دارد؛

### تأثیر انقلاب اسلامی در احیای آموزه‌های مهدویت ❖ 553

حکومت امام معصوم (ع) و حکومت امیر ستمگر که نمی‌تواند مشروع باشد. قبل از انقلاب این تصور وجود داشت که تشکیل حکومت مشروع تا پیش از ظهور قائم آل محمد (عج) و تشکیل حکومت جهانی مهدوی، نه تنها امری بعید و تحقق‌ناشدنی است، بلکه تلاش برای تشکیل حکومت نیز کاری نامشروع است. (عرفان، 1389: 155)

و نیز عده‌ای انتظار فرج را به این معنا می‌دانستند که جامعه باید به حال خود رها شود و به فساد آن نباید توجهی کرد تا زمینه ظهور - که سرشار از ظلم و فساد است - فراهم آید. عده‌ای نیز فراتر از این عقیده، معتقد بودند نه تنها نباید جلوی فساد و گناهان را گرفت، بلکه باید به آنها دامن زد تا هرچه بیشتر زمینه ظهور حضرت مهدی (عج) فراهم آید. (محمدی ری‌شهری، 1372: ج 1: 285)

طبعاً به مصلحان، مجاهدان، آمران به معروف و ناهیان از منکر با نوعی بغض و عداوت می‌نگرند؛ زیرا آنان را از تأخیر اندازان ظهور و قیام مهدی موعود (عج) می‌شمارند. برعکس، اگر خود هم اهل گناه نباشند، در عمق ضمیر و اندیشه با نوعی رضایت به گناهکاران و عاملان فساد می‌نگرند؛ زیرا اینان مقدمات ظهور را فراهم می‌نمایند. (باذری، 1383: 382-383)

این نوع برداشت از انتظار که به تعطیلی در حدود و مقررات اسلامی و گسترش فساد منجر می‌شود، نوعی «باحی‌گری» است و به هیچ وجه با موازین اسلامی و قرآنی مطابقت ندارد. امام خمینی (ره) این نگاه را اندیشه‌ای با ریشه استعماری دانسته است و از نظر ایشان، استعمارگران اندیشه جبر و انفعال را در میان دینداران ترویج داده‌اند تا به راحتی سلطه خود را ادامه دهند. (امام خمینی، 1369: 16)

نگرش دیگر معتقدان به مهدویت پیش از انقلاب این بود که وظایف منتظران در دوران غیبت را صرفاً در دعا برای تعجیل فرج و نزدیک شدن ظهور خلاصه می‌کردند و وظیفه و تکلیف دیگری برای آنان قائل نبودند. (همو، 1358: 208-207؛ شجاعی مهر، 1389: 42)

گرایش دیگر معتقدین به مهدویت پیش از انقلاب، ولایت‌ورزی (تولی) بدون توجه به برائت‌جویی (تبری) است. در تفکر آنان، ولایت‌ورزی وجود داشت، اما تبری از همه مظاهر کفر، شرک و نفاق دیده نمی‌شد و فقط در حوزه مناسبات فردی بود. در حوزه اجتماعی نسبت به مناسبات فرهنگی و اجتماعی که تحت تأثیر اندیشه‌های غربی قرار داشت، تبری وجود نداشت. (شفیعی سروسرانی، 1388)

نگرش سلبی انتظار در برون‌داد سیاسی خود، پذیرش و قیومت هر گونه طاغوتی را بر مقدرات مسلمین بر می‌تافت. این دسته به پذیرش و تمکین ولایت هر حکومت جوری در طول تاریخ غیبت تن در دادند و مرام و مسلک قاعدین را پیشه کردند (شجاعی مهر و لک‌زایی، 1397: 255) و در برابر سلطه و اقتدار سیاسی نامشروع، موضع رد و نفی نداشتند.

با توجه به مطالب پیش گفته، می‌توان مهم‌ترین شاخصه‌های رویکرد به آموزه مهدویت و گفتمان انتظار را در گستره تاریخ شیعی تا قبل از انقلاب، چنین خلاصه کرد:

- امام مهدی (ع) «منجی موعود» متعلق به آینده.
- تفسیر انتظار به «آمادگی فردی».
- تمرکز بر «عصر ظهور» بدون داشتن هیچ چشم‌انداز روشنی برای اصلاح امور و بهبود وضع جامعه در «عصر غیبت».
- «وظایف منتظران» خلاصه در دعا برای تعجیل فرج.
- تأکید صرف بر «ولایت‌ورزی» (توکی) و بی‌توجهی به «برائت‌جویی» (تبری) از همه مظاهر کفر، شرک و نفاق در عصر حاضر.

## 2. دستاوردهای انقلاب اسلامی در احیای آموزه‌های مهدویت

انقلاب اسلامی ایران در مقطعی به پیروزی رسید که شیعیان قرن‌ها بود غیبت را پذیرفته و وارد مرحله انتظار شده بودند؛ اما انتظاری همساز با زندگی در زیر سلطه حکومت‌های ضد شیعی یا غیر شیعی و نهایت در سایه حکومت‌هایی طرفدار شیعیان. امام خمینی به نوعی برطرف‌کننده عطش شیعیان به حضور امام غایب (عج) در میان خود و تداعی‌گر رفتار منجیانه آن امام غایب (عج) بود.

انقلاب اسلامی ایران با هدف زمینه‌سازی ظهور امام زمان (عج) پا به عرصه حیات گذاشت و در طول حیات 40 ساله خود تلاش کرد تا به این هدف با برنامه‌ها و راهکارهای متنوع جامعه عمل بپوشاند؛ از آموزش و تبلیغ و ترویج گرفته تا پژوهش‌های راهبردی و نیز برگزاری جشنواره‌ها، همایش‌ها، کنفرانس‌ها و نیز استفاده از ظرفیت آموزش و پرورش، آموزش عالی، رسانه ملی و ... اگرچه به زعم صاحب‌نظران هنوز تا رسیدن به جامعه منتظر و زمینه‌ساز فاصله بسیار است؛ اما نمی‌توان از آنچه در طول 40 سال عمر انقلاب درباره اندیشه مهدویت انجام شده، چشم پوشید. مقایسه سطح مباحث مهدویت در دوران قبل از انقلاب با بعد از انقلاب، تغییراتی را نشان می‌دهد که توجه به آن، دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران را تابناک‌تر می‌سازد. از این رو، برخی از برکات و دستاوردهای انقلاب اسلامی در آشنایی و انس مردم و جامعه با امام عصر (عج) و فراهم ساختن بستر رشد مهدویت اشاره می‌شود.

### یک) تعمیق و گسترش فرهنگ انتظار

مسلمانان قبل از انقلاب اسلامی هیچگونه الگوپذیری از آموزه مهدویت را در سرنوشت خود و در ساختار سیاسی کشورهای خود نداشتند. پیروزی انقلاب اسلامی سبب شد که هم در ساختار و هم در کارکرد نظام بین‌الملل، تغییر و تحولات اساسی رخ دهد. انقلاب اسلامی توانست بازیگران نوینی را در نظام بین‌الملل به

## 555 ♦ تأثیر انقلاب اسلامی در احیای آموزه‌های مهدویت

منصه ظهور برساند که از جمله آنها جنبشهای آزادیبخش و ملت‌ها هستند که به عنوان نقش آفرینان جدید، دیدگاه آنان می‌تواند بر دولتها و روابط بین‌الملل تأثیرگذار باشد.

انقلاب اسلامی ایران سبب شد رویکرد اندیشوران مسلمان و غیر مسلمان به اندیشه مهدویت تغییر یابد و دیگر مانند گزاره‌ای هم‌ردیف سایر گزاره‌های دینی به تحقیق درباره آن نپردازند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، چارچوبهای نظری و سنتی و رهیافت توصیفی و گزارش گونه از آموزه مهدویت کم‌رنگ شد. حتی این آموزه خاستگاهی شد برای اصول راهبردی، تا بیش از پیش وارد متن زندگی مردم شود. (عرفان، 1389: 162)

امام خمینی با بهره‌گیری بهینه از عناصر و اجزای فرهنگ انتظار و با نگاهی اجتماعی و کلان به این آموزه، توانست مبدا تحولات بنیادین در حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی امت ایران باشد. در نگاه راهبردی امام به آموزه مهدویت، انتظار، منتظر را به انزوا نمی‌کشد و او را از مسئولیتهای اجتماعی نمی‌رهاند. وی با نگاه عقل‌گرایانه به مفهوم انتظار، نه نگاه نقل‌گرایانه‌ای (اخباری‌گری) که نقش حداقلی را برای انسان منتظر تعریف می‌کرد، توانست احساس مسئولیت فردی و اجتماعی را در سطح جامعه به بالاترین حد ممکن که تشکیل حکومت بود، ارتقا ببخشد. ایشان به مدد ژرفای جهان‌بینی خویش توانست مفهوم «انتظار» را در اجتهاد فقهی خود بازسازی کند و ادبیات سلبی انتظار را به گفتمان ایجابی و مثبت‌اندیش آن بدل سازد.

نتیجه قرن‌ها غلبه نگرش نقل‌محور بر فرهنگ مهدویت، خواسته یا ناخواسته، آشکار و پنهان، جبرگرایی خاموشی بود که بار مسئولیت و تکلیف را از دوش منتظران برداشته و سبب شده بود مکلفان، بی‌اعتنا به عمل به تکالیف عصر غیبت، چهره در نقاب اعتماد به تقدیرگرایی افراطی بکشند. ولی امام خمینی با سیره عملی خود به تبیین و ترجمه آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (ع: 11) پرداخت و با گشودن پنجره عقل بر متون نقلی، پس از اعتماد به اختیار انسان در عرصه سرنوشت اجتماعی خویش، مفهوم انتظار منجی را به اوج رساند و توانست پایه‌های عقلانی و اجتماعی مهدویت را پشتوانه اصالت نقلی آن قرار دهد. از این رو، از آنجا که در این نگرش، پتانسیل فراوانی برای حرکت و تغییر وضع موجود با بهره‌گیری از مفاهیم اسلامی و اصیل امامت وجود دارد، جامعه شیعه با حفظ آرمان اصیل امامت به فعال‌سازی مجدد مفهوم انتظار فرج پرداخت و آن را به راهبرد و اهرمی برای حرکت و ترمیم جامعه تبدیل کرد. (اخوان مفرد، 1381: 149)

بعد از تأسیس حکومت اسلامی، امام خمینی (ره) بر اساس جهان‌شمول بودن دین اسلام، صدور انقلاب را از ضروریات بقا و جهانی‌شدن نهضت اسلامی برشمردند. از دیدگاه ایشان، مفهوم صدور انقلاب اسلامی، شناخت ارزشهای انقلاب اسلامی و رساندن آن به گوش تمامی بشریت، به خصوص جهان اسلام و جلب توجه مسلمانان به اسلام و قوانین اسلامی از طریق معرفی صحیح اسلام با تبلیغات، عمل مطابق با

اسلام، عمل و اخلاق، شناساندن انقلاب به دنیا، دعوت به اسلام، صدور ارزشهای انسانی و آشناسازی مستضعفان با حکومت اسلامی بود. انقلاب اسلامی ایران نیز توانست تأثیرات بسزایی در تحولات اخیر منطقه، به خصوص موج بیداری اسلامی داشته باشد. نهضت‌های اسلامی رخ داده در منطقه، وام‌دار اندیشه‌های انقلاب‌اند؛ به طوری که رهبران این نهضتها به طور مشخص الگوی حرکت خود را از انقلاب اسلامی ایران می‌دانند. (عارف، 1395)

### دو ارتقای آگاهی مردم در زمینه موعودگرایی و انتظار

با توجه به شرایط فعلی جهان، به پا خواستن مستضعفان در رکاب منجی عالم و رویایی آنان با بمبهای هسته‌ای و موشک‌های بالستیک و... نیازمند الگو و پیش‌زمینه روانی مساعد است؛ زیرا آنان (جوامع مستضعف) که عمری را در پذیرش سلطهٔ جاثران سپری کرده‌اند، اگر کسی را به یاد نیاورند که در برابر سرکردگان استکبار جهانی ایستاده باشد، مرعوب شدن در برابر حزب شیطان چون عادتی ثانویه در وجودشان رخنه خواهد کرد. انقلاب اسلامی ایران توانسته است ملت‌های تحت سلطهٔ جهان را بیدار کند و آنان را از عمق جنایاتی که در حق بشریت می‌رود آگاه سازد و در کنار آن نیز ارائه‌دهندهٔ الگوی مناسب و عملی و نشان‌دهندهٔ راه نجات و پناهگاه محکمی است که ملت‌های به ستوه آمده را امیدوار و به سوی خود جلب می‌کند.

یکی از بزرگ‌ترین خدمات انقلاب اسلامی در این باره، برطرف کردن زمینهٔ غفلت و انحراف در افکار عامهٔ مردم و اندیشمندان و نخبگان بود و این خدمتی بی‌بدیل است؛ زیرا تا اندیشهٔ ظهور و مهدویت در افکار، ظهور صغری نکند؛ یعنی در دلها و افکار فهم و درک درستی از این مسئله نشود، ظهور کبری رخ نخواهد داد؛ چون غیبت امام عصر (عج) به عدم شناخت و کج‌فهمی‌ها از احکام بازمی‌گردد. اگر امیرالمؤمنین (ع) خانه‌نشین شدند و حضرت سیدالشهدا (ع) در کربلا با آن جنایات به شهادت رسیدند، همه و همه به دلیل کج‌فهمی و بدفهمی از دین بود. لذا امام خمینی (ره) در بستر انقلاب اسلامی زمینه‌ای را فراهم کرد که شأن و شخصیت امامت بیشتر تبیین شود.

بنابر این، با پیروزی انقلاب اسلامی، روح درهم‌شکسته و خستهٔ مسلمانان در مناطق مختلف جهان، زنده و روحیهٔ امید در کالبد آنان دمیده شد. پس از انقلاب، روحیهٔ خودباوری و اعتماد به نفس مسلمانان که رو به خاموشی بود، تقویت شد و جرئت و شجاعت خود را بازیافتند. در حقیقت؛ شیعیان پس از یک دوره فترت و سستی، با ظهور انقلاب اسلامی از خواب غفلت بیدار شدند و هویت تازه‌ای یافتند؛ زیرا پیروزی انقلاب اسلامی به آنان آموخت که نباید برای ظهور مهدی موعود «عج» به انتظار نشست، بلکه باید به انتظار ایستاد. به این ترتیب، انقلاب اسلامی ایران نقطهٔ عطفی در احیای مکتب انتظار و حتی در نگاهی کلی‌تر، آموزهٔ مهدویت بود و تشیع و اسلام را در قلب حوادث و اخبار جهانی قرار داد. (پرهیزگار، 1393: 134)



## تأثیر انقلاب اسلامی در احیای آموزه‌های مهدویت ❖ 557

توسعه وظایف منتظران و منحصر نکردن آن به دعا برای تعجیل فرج و درخواست ملاقات با آن حضرت و توجه به برائت‌جویی به عنوان مقدمه و شرط ولایت‌ورزی واقعی، از اندیشه‌های مورد تأکید امام خمینی(ره) است. امام با نگاه جامع خود، به موضوع ولایت‌ورزی و برائت‌جویی به معنای واقعی توجه داشت. (شفیعی سروستانی، 1388)

در فرهنگ شیعی، امامان معصوم(ع) مظهر همه خوبی‌ها و دشمنان ایشان، مظهر همه بدی‌ها و به طور طبیعی کسی که در پی خوبی‌ها و دوری از بدی‌هاست، راهی جز دل بستن به حضرات معصومین و برائت از دشمنان آنها ندارد. امام صادق(ع) در این زمینه می‌فرماید: «ما ریشه همه خوبی‌هایم و همه خوبی‌ها از شاخ و برگ ماست. از جمله خوبی‌ها، یگانه‌پرستی، نماز، روزه و... است. دشمن ما ریشه همه بدی‌هاست و همه اعمال زشت و ناشایست از شاخ و برگ آنهاست که دروغ‌گویی، تنگ‌نظری، سخن‌چینی و... از آن جمله است» (کلبی، 1375، ج 8: 242). بنابر این، برای همه کسانی که طالب هدایت و رستگاری‌اند، به ویژه برای کسانی که سر در گرو ولایت آخرین امام از سلسله اولیای خدا، حضرت مهدی(عج) دارند، ضروری است که دوستان و دشمنان اهل ایمان را بشناسند. اینان تا ولایت مهدوی را که استمرار ولایت الهی، ولایت محمدی و ولایت علوی است و نیز کسانی را که در تقابل با جریان ولایت مهدوی‌اند، چنان که بایسته است، نشناسند، نمی‌توانند چنان که شایسته است به ریسمان ولایت مهدوی درآویزند و از دشمنان این ولایت بیزاری جویند

### سه) مقابله با جریانهای انحرافی

در طول تاریخ، انتظار آینده‌بهرتر و ظهور دولت حق و عدالت، مترقی‌ترین آرمان اجتماعی بوده است. فطرت کمال‌گرای آدمی و ماهیت زندگی بشر با امید به آینده عجین شده است؛ لذا اعتقاد به مهدویت از اصلی‌ترین ابعاد روح انسانی سرچشمه می‌گیرد. اندیشه مهدویت در راه رسیدن به سرمزل مقصود ممکن است با دریای پرتلاطم حوادث یا انحرافات و قرائتهای ناصحیح روبه‌رو شود. شرط رسیدن به ساحل نجات در درجه اول، تقویت نیروی محرکه این گفتمان و در درجه دوم، انحراف‌زدایی از آن است. (عرفان، 1389: 166)

امام خمینی(ره) مقابله با جریان‌های انحرافی حوزه مهدویت در طول تاریخ و تبیین و ترویج خط اصیل مهدویت را بر مبنای مبانی کلامی و اصولی خود، در رأس فعالیت‌های خویش می‌دانست. مهم‌ترین شاخصه‌های دیدگاه امام خمینی(ره) در بحث مهدویت، در مقابل تفکر مهدوی قبل از انقلاب، توجه به امام مهدی(عج) به عنوان حجت خدا و امام حی است. امام زمان(عج) نسبت به حال مسلمانان بی‌تفاوت نیست و این، تفاوت کلیدی و اساسی در دیدگاه انقلاب با تفکرات پیش از انقلاب است.

بنابر این، یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی، مقابله با جریان‌های انحرافی است که در مقابل مهدویت به عنوان بال سبز تشیع قد علم کردند و درصدد بودند به این آموزه که امید و انگیزه مبارزه را در

جانهای خسته زنده نگه می‌دارد، ضربه بزنند. اما انقلاب اسلامی نه تنها مانع این جریانها شد، بلکه مهدویت اصیل و انقلابی و امیدآفرین را نه فقط به ایرانیان، بلکه به جهان اسلام و فراتر از آن معرفی کرد.

یکی از جریانهای انحرافی، جریان موسوم به «انجمن حجّیه» بود که در جامعه دینداران و از سر بدفهمی و کج‌فهمی درباره مهدویت رشد کرد. متأسفانه این جریان با تصرف قلبها و وارد کردن شبهات و حمله کردن به باورها و اعتقادات مردم، به تخریبهای اعتقادی خود عمق بخشید. اما انقلاب اسلامی فضایی را ایجاد کرد که ریشه و زمینه اصلی فضا سازی‌های انحرافی این جریان را یا در نطفه خفه یا کاملاً کم‌رنگ کرد؛ چنانکه یکی از بحثهای جدی امام خمینی (ره) به عنوان معمار کبیر انقلاب، برخورد با این جریانهای انحرافی بود.

یکی از شاخصهای انحرافی انجمن حجّیه، تأکید بر عدم دخالت دین در عرصه سیاست است و اینکه نباید از مهدویت در فضای سیاسی و مدیریتی بهره‌مند شد. نظریه انجمن این بود که دین نباید در سیاست دخالت کند و تا جای ممکن باید دین و مهدویت را در درون افراد محصور کرد. لذا با پیروزی انقلاب اسلامی و تأکید انقلاب بر روی کار آمدن دولت دینی، پرچم مخالفت را برداشتند و حتی در بیانیه‌ها و اساسنامه‌شان طوری برخورد کردند که انقلاب اسلامی در اندیشه آنان تعریفی ندارد.

در مقابل این افکار انحرافی و برداشتهای ناصحیح از مهدویت، امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی خط بطلان بر همه انحرافات کشید و دین را از انزوای صندوقخانه‌ها و کتابخانه‌ها خارج کرد تا دین و دینداری و مهدویت در قلبها محصور نشود، بلکه به میدان اجتماع و سیاست بیاید.

#### چهار) جهانی شدن مکتب انتظار

با پیروزی انقلاب اسلامی، واژه انتظار که سالها با سکوت و سکون، تحمل ظلم و دم فرو بستن و در یک کلمه، ماندن و در جا زدن به امید برآمدن دستی از غیب مرادف شمرده می‌شد، مفهومی دیگر یافت و این بار، «انتظار» نه به مثابه عاملی برای خاموش ساختن روح سرکش اجتماع، بلکه به مثابه ابزاری برای دگرگون کردن وضع نامطلوب موجود و حرکت به سوی آینده موعود به کار گرفته شد.

حضرت امام (ره) حکومت جمهوری اسلامی را مقدمه‌ای برای بیداری جهان اسلام از بردگی مدرن می‌داند و انتظار ظهور حجت را استمرار اقتدار اسلام تبیین می‌کند: «ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت بکنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند.» (امام خمینی، 1380: 374)

حضرت امام معتقد بود پیروزی انقلاب اسلامی ایران نقطه آغاز مهندسی تمدن اسلامی است که به انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) می‌پیوندد. از این رو، انقلاب اسلامی در آرمان و اندیشه امام (ره)،

## تأثیر انقلاب اسلامی در احیای آموزه‌های مهدویت ❖ 559

جهانی کردن اسلام و رسیدن به خلق تمدن بزرگ اسلامی است: «مستولان باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مستولان را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمام سعی و توان خود را در اداره هرچه بهتر مردم بنماید و این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند.» (مبو، 1358: 108)

انقلاب اسلامی ایران با احیای معنویت‌خواهی و گسترش دین سیاسی در سطح منطقه و جهان، در حال ایجاد قطب‌بندی جدیدی است (برهیزگار، 1393: 152). از این رو، یکی از مهم‌ترین پیامدهای انقلاب اسلامی، نقش آن در پیدایی و پایایی جریان فکری و شفاف‌سازی گفتمانهای اجتماعی در عرصه اندیشه اسلامی است. پس می‌توان با ترسیم رسالت منتظرانه برای انقلاب اسلامی و رویکردی تمدنی و کلان به انتظار، این انقلاب را زمینه‌ساز ظهور دانست. چنانچه حضرت امام (ره) انقلاب مردم ایران را نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت (ارواحنا فداه) می‌داند.

به نظر می‌رسد آنچه در عصر انتظار ضرورت دارد و باید در دستور کار قرار گیرد، توجه به الزامات عقیدتی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی اندیشه انتظار و فراهم‌سازی زمینه‌های ظهور امام عصر است. اساساً مسئله زمینه‌سازی و تلاش برای رفع موانع ظهور در متن معنا و ماهیت انتظار نهفته است. واژه انتظار، خود گویای حضور عینی و تلاش عملی برای تغییر وضع موجود با هدف بسترسازی تحولی عظیم است؛ تحولی که به زمینه‌سازی و فراهم شدن شرایط نیاز دارد.

به این ترتیب، انتظار ظهور همچنان که از لحاظ معنا و مفهوم با عمل تلازم دارد، در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی نیز با مسئله زمینه‌سازی و تلاش برای فراهم کردن مقدمات حکومت مهدوی کاملاً عجین شده است؛ به گونه‌ای که سخن از انتظار و آرزوی رسیدن به آرمان ظهور، بدون توجه به مسئله زمینه‌سازی و بررسی عوامل بسترساز رخداد ظهور، بی‌ثمر و بی‌معنا خواهد بود. (فاضلی‌نیا، 1388: 189-188)

از بیانات حضرت امام (ره) در دوره‌های مختلف انقلاب اسلامی به خوبی برمی‌آید که ایشان برپایی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران را دو منزلگاه در طریق رسیدن به سرمنزل مقصود و تشکیل حکومت عدل مهدوی می‌دانستند و بر این باور بودند که باید با اجرای کامل احکام اسلامی در عصر غیبت، زمینه را برای ظهور امام مهدی (ع) فراهم آورد. در ادامه، برخی از بیانات ایشان را مرور می‌کنیم.

«میدوارم که این انقلاب، یک انقلاب جهانی بشود و مقدمه برای ظهور حضرت بقیه‌الله (ارواحنا له

«امید است که این انقلاب جرقه و بارقه‌ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیه‌الله (ارواحنا لمقدمه الفداء) منتهی شود.» (همان، ج 15: 75)

«من امیدوارم که ما به مطلوب حقیقی برسیم و متصل بشود این نهضت به نهضت بزرگ اسلامی و آن نهضت ولی عصر (ع) هست.» (همان، ج 12: 175)

«ان شاءالله اسلام را آن طور که هست در این مملکت پیاده کنیم و مسلمین جهان نیز اسلام را در ممالک خودشان پیاده کنند... و زور و ظلم و جور از دنیا برطرف بشود و مقدمه باشد برای ظهور ولی عصر (ارواحنا له الفداء).» (همان، ج 15: 170)

پس این دیدگاه امام در برابر تفکرات قبل از انقلاب قرار دارد که در آن، نگاه به عصر ظهور بدون هیچ چشم‌انداز روشنی برای اصلاح امور و بهبود جامعه عصر غیبت متمرکز بود. این در حالی است که وقتی امام مهدی (عج) را حجت خدا در زمین دانستیم و در برابر حجت خدا احساس تکلیف و وظیفه کردیم، اقتضا می‌کند تا وظیفه خود را در برابر خدا و اصلاح جامعه انجام دهیم. از جمله تکلیفی که در عصر غیبت بر عهده ماست، امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح جامعه و زمینه‌سازی برای حکومت امام زمان است.

#### پنج) تغییر نگاه به حکومت در عصر غیبت

مهم‌ترین تحول ساختاری انقلاب ایران، ایجاد حکومت مبتنی بر ولایت فقیه است. حکومت جدید، اولاً دینی و اسلامی است و ثانیاً، نایب عام امام زمان (عج) در رأس آن قرار می‌گیرد و همراه با تدبیر و مدیریت کلان کشور، مشروعیت‌بخش نظام و عملکرد مسئولان نظام است. این نوع حکومت، مبنای قانون اساسی جدید قرار گرفت (پرهیزگار، 1393: 153). این تحولات نقش مستقیم‌تری در رشد مهدویت داشته است. این بخش همان تحول نوع حکومت سلطنتی موروثی به حکومت دینی مبتنی بر ولایت فقیه است. ولایت فقیه به دلیل ابتدای بر مهدویت، به ترویج نظام معنایی مهدوی کمک کرد؛ چه در سطح نخبگان که بحث‌های نظری آن را پی گرفتند و چه در سطح عموم که در اثر مواجهه عملی آنان با حکومت نایب امام زمان (ع) و مرجع تقلیدی که در رأس حکومت قرار گرفت و گرایشها و انتظارات مردم را به سمت امام زمان (ع) و جامعه آرمانی که ایشان پس از تشکیل حکومت جهانی خواهند ساخت، کشاند و مردم را در مسیر اجتماعی شدن هر چه بیشتر در این زمینه قرار داد. (همان: 154)

با مطرح شدن و عملی‌سازی ولایت فقیه، نیابت عام و در کنار آن، نگاه به حکومت در عصر غیبت دچار تحول شد و با محوریت یافتن ولایت فقیه و تحولات ساختاری و ارزشی که در اثر انقلاب به سمت رشد معنویت و تثبیت دین در عرصه اجتماع و سیاست به وجود آمد، زمینه رشد بیشتر مهدویت در فضای حکومت شیعی متعلق به دوران غیبت فراهم شد. مباحث ولایت فقیه، مبنای نظری و فلسفی حکومت

## 561 ♦ تأثیر انقلاب اسلامی در احیای آموزه‌های مهدویت

اسلامی را در چارچوب عمل به وظایف فردی و اجتماعی در حیطه حکومتداری در عصر غیبت تبیین کرد و عدم مشروعیت نظام شاهنشاهی را بیش از پیش آشکار ساخت.

امام خمینی با طرح نظریه ولایت فقیه و نگارش بخشهایی از کتابهای «البیع» و «المکاسب المحرمه»، به پردازش مبانی استدلالی یکی از اساسی‌ترین مباحث کلام و فقه سیاسی شیعه (ولایت فقیه) در عصر غیبت پرداخت و کیفیت ستیز با ولایت جور و گسترش قلمرو اختیار ولی فقیه در نظام سیاسی اسلام را فراهم آورد تا مشروعیت حکومت دینی را تثبیت کند.

ولایت فقیه در تفکر کلامی شیعه، پیرو بحث امامت است و مبحث امامت و ولایت، از اصول و مبانی عقیدتی امامیه به شمار می‌آیند؛ از این رو، نمی‌تواند یک مدخل فرعی فقهی قلمداد شود؛ هرچند تکلیفی بودن پذیرش ولایت فقیه برای همه مؤمنان، آن را در زمره احکام تکلیفی و مباحث فقهی نیز قرار می‌دهد و به یک اعتبار، از منظر فقهی نیز بررسی می‌شود (جلالی، 1379: 351). به دیگر سخن؛ ولایت فقیه به لحاظ جنبه فعل الهی بودن، بحث کلامی است و به لحاظ جنبه فعل تکلیفی بودن، بحث فقهی شمرده می‌شود. در واقع؛ نظریه ولایت فقیه با مبانی و انگاره‌های دین‌شناختی ویژه‌ای سازگاری دارد که بدون باور و شناخت ژرف و فقیهانه به آنها نمی‌توان در معرفت دینی به چنین نظریه‌ای دست یافت.

نظریه ولایت فقیه حاکی از این عقیده است که حکومت دینی بهترین شکل حکومت است؛ زیرا فقه به معنای واقعی کلمه در برگیرنده همه قوانینی است که جامعه مطلوب به آن نیازمند است. بر اساس بینش امام، ولایت فقیه در امتداد ولایت رسول‌الله (ص) و ائمه اطهار (ع) است. ولایت فقیه همان ولایت مطلقه رسول‌الله است؛ یعنی کار ولی فقیه، نظارت بر اجرای احکام فقهی نیست، چنانکه مرحوم نائینی می‌فرمود شأن ولی فقیه اعمال ولایت بر احکام دین است و اختیار او در اداره جامعه، همان اختیار رسول‌الله است. (همان)

### شش) احیای آموزه‌های مهدوی در برابر آموزه‌های غرب

هر انقلابی نیازمند نیروهای فکری است تا بر اساس شرایط، پیوسته به دفاع، تولید یا بازتولید ارزشها، باورها و اهداف و برنامه‌های آن مجموعه بپردازد. این نوع تبیینها از سوی افرادی صورت می‌گیرد که معمولاً برای گروهی از جامعه نقش الگو دارند.

امروزه بخشی از تغییرات جامعه، منشأ غربی دارد. این تغییرات هم در بخش مادی و هم معنوی بوده و برخی از آنها با ارزشها و باورهای انقلاب اسلامی در تضاد است. نیروهای فکری انقلاب برای تبیین باورهای انقلابی و برای ارائه الگوی دینی، گاه با استفاده از مطالبی که غربی‌ها ارائه می‌دهند، سراغ منابع دینی می‌روند و در برخی موارد آموزه‌های مهدوی را به کار می‌گیرند. اینان که نقش فرهنگ‌سازی و ارائه الگو را ایفا می‌کنند، با گسیل این آموزه‌های مهدوی به سمت جامعه، سبب ترویج و احیای فرهنگ مهدوی می‌شوند (پرهیزگار، 1393: 233-232)؛ که از جمله آنها به دو مورد اشاره می‌شود.

**اول. احیای مفهوم پایان تاریخ و ارائه الگوی رقیب و جایگزین پایان تاریخ غربی:** نظریه «پایان تاریخ» که تاکنون بازتاب و جدالهای نظری مختلفی را در جهان برانگیخته است، دیدگاه فرانسیس فوکویاما، نظریه پرداز و راهبردشناس آمریکایی، در خصوص روند تحولات جهانی در آینده است که سال 1989 میلادی طی مقاله‌ای کوتاه در یکی از نشریات لیبرالیستی ارائه شد و توجه اندیشمندان و تحلیلگران علوم سیاسی - اجتماعی را به خود جلب کرد (صدی، 1390: 94). او معتقد است که پایان تاریخ زمانی است که انسانها به شکلی از جامعه مطلوب انسانی دست یابند که در آن عمیق‌ترین احساسات و اساسی‌ترین نیازهای بشری بدون هیچ مانعی برآورده شود. وی در نگاهی خوش‌بینانه و اغراق‌آمیز، نظام مبتنی بر اندیشه لیبرال دموکراسی را به دلیل برخورداری از اصول اقتصادی رو به گسترش و انسجام سیاسی آن که می‌تواند فرهنگهای متفاوت را در نقاط مختلف دنیا به هم پیوند دهد، بهترین شکل تجلی ایده‌های تاریخی بشر می‌داند و انسانهایی را که در دوره چیرگی و استیلای اندیشه لیبرال دموکراسی زندگی می‌کنند، انسانهای عصر پایان تاریخ می‌نامد؛ عصری که الگوی لیبرالیسم تمامی عرصه‌های زندگی را تسخیر می‌کند و هیچ الگوی رقیب یا جایگزینی برای آن یافت نمی‌شود. (همان: 97)

اسلام با تکیه بر آموزه‌های وحیانی و نگرش جامع به انسان و فرجام تاریخ انسان، توانسته است دورنمای آینده تاریخ را به طور روشن، ترسیم و طرحی جامع و ایده آل برای ارائه فردای تاریخ، به بشریت ارائه کند. لذا انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر نظریه دینی - سیاسی اسلام، در قالب «نظریه مهدویت» و ایده حکومت عدل جهانی اسلام، طراحی شده که در نخستین روزهای پیدایش اسلام توسط پیامبر خاتم (ص) پایه‌ریزی و رسالت تحقق آن در آینده، بر عهده خاتم‌الاولیاء، حضرت بقیه‌الله الاعظم (ع) گذاشته شد (همان: 106) تا مفهوم پایان تاریخ را احیا و الگوی رقیب و جایگزین پایان تاریخ غربی را ارائه کند.

**دوم. نظریه اختیاری ظهور:** یکی از تحولات مهم در عرصه مهدویت که بر اثر انقلاب اسلامی اتفاق افتاد، تبدیل نگاه جبری به ظهور، به نگاه اختیاری بودن آن است (برهیزگار، 1393: 236). نظریه اختیاری بودن ظهور ضمن اینکه در نگاهی نظام‌مند در چارچوب حکومت دینی معنادار شد، عملاً نیز پس از انقلاب زمینه شکل‌گیری آن فراهم آمد. برخی از اقدامات سیاسی و انقلابی، مانند سیاست صدور انقلاب، مخالفت با جریان انجمن حجّیه، برخی فعالیت‌های علمی، تبلیغی و دعا برای تعجیل در ظهور امام زمان (عج)، انسجام‌بخشی به مجموعه‌ای از باورها را در قالب نظریه اختیاری ظهور فراهم می‌سازد. (همان: 238)

### هـ) بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج حاصل از تحقیق می‌توان گفت اندیشه مهدویت تا قبل از انقلاب در جایگاه یک گزاره دینی بحث و بررسی می‌شد و رویکرد اغلب افراد، حول محور توقیعات ادعیه و به طور کلی معارف مهدوی به شکل جزئی و موردی توجه می‌شد. همچنین نادیده گرفتن بعد اصلاحی جهان‌شمول مهدویت و تلقی حداقلی از آن و محدود کردن آن به برخی از زوایای زندگی فردی، پیش از انقلاب مورد توجه بود.

اما پیروزی انقلاب اسلامی ایران با آرمانهای مهدوی سبب شد چارچوب نظری و سنتی و رهیافت توصیفی و گزارش‌گونه از آموزه‌های مهدویت کم‌رنگ شود. حتی این آموزه خاستگاهی شد برای اصول راهبردی، تا پیش از پیش وارد متن زندگی مردم شود. انقلاب اسلامی به عنوان نقطه عطفی در جریان مهدویت، رسالت خطیر و الهی خود را زمینه‌سازی انقلاب جهانی و فراهم آوردن مقدمات ظهور قرار داده و دستاوردهایی نیز در این راستا داشته است که برخی از آنها عبارتند از: گسترش و تعمیق فرهنگ انتظار ظهور منجی در سطح جهان، ارتقای آگاهی مردم در زمینه موعودگرایی و انتظار، مقابله با جریانهای انحرافی، جهانی شدن مکتب انتظار، تغییر نگاه به حکومت در عصر غیبت، احیای آموزه‌های مهدوی در برابر آموزه‌های غرب و....



## منابع

- قرآن کریم.
- آذرشین فام، سعید (1393). معارف مهدویت. قم، بوستان کتاب.
- آل نبی، سید محسن (1396). «انقلاب اسلامی آغاز ظهور یا زمینه‌ساز ظهور». پژوهشهای مهدوی، ش 20: 133-152.
- ابادری، محمود (1383). «مهدویت در اندیشه متفکر شهید مرتضی مطهری». انتظار موعود، دوره چهارم، ش 11-12: 373-386.
- اخوان مفرد، حمیدرضا (1381). ایدئولوژی انقلاب ایران. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- امام خمینی، روح‌الله (1368). صحیفه نور. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی، روح‌الله (1380). صحیفه نور، ج 18. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی، روح‌الله (1369). صحیفه نور، ج 21. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- امام خمینی، روح‌الله (1358). ولایت فقیه. تهران: سپهر.
- انوری، حسن (1382). فرهنگ سخن. تهران: سخن.
- پرهیزگار، غلامرضا (1393). انقلاب اسلامی و رشد مهدویت در ایران. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- پورسید آقایی، سید مسعود (1386). «مهدویت و رویکردها». مشرق موعود، سال اول، ش 4.
- تونه‌ای، مجتبی (1389). موعودنامه. قم: مشهور و میراث ماندگار.
- جلالی، غلامرضا (1379). «مراحل شکل‌گیری حکومت اسلامی در بیان و بنان امام خمینی». حوزه، ش 94-95.
- جمعی از نویسندگان (1391). تمدن نوین اسلامی. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- شجاعی مهر، رضا (1389). بازخوانی هویت انقلاب اسلامی با تأکید بر آموزه مهدویت در تفکر شیعی. قم: دانشگاه باقرالعلوم (ع).
- شجاعی مهر، رضا و نجف لک‌زایی (1397). «کاربست آموزه مهدویت در سپهر سیاسی انقلاب اسلامی». مشرق موعود، ش 46: 249-272.
- شفیعی سروستانی، ابراهیم (1388). «زمینه‌سازی برای ظهور: آرمان انقلاب اسلامی». موعود، سال چهاردهم، ش 108: 100-118.
- صمدی، قنبرعلی (1390). «چشم‌انداز آینده از دیدگاه اسلام و نظریه پایان تاریخ». کوثر معارف، ش 18: 91-132.
- طاهری، سید مهدی (1388). «تحلیلی بر زمینه‌سازی انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) در انقلاب اسلامی ایران». اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، ش 86-87: 64-69.



تأثیر انقلاب اسلامی در احیای آموزه‌های مهدویت ♦ 565

- عارف، بیژن (1395). «نقش اندیشه‌های انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی». سیاست، سال سوم، ش 12.
- عبدالحمید، ابوالحمد (1370). مبانی سیاست. تهران: توس.
- عرفان، امیر محسن (1389). «نقش انقلاب اسلامی ایران در تغییر نگرش به آموزه مهدویت». انتظار موعود، سال دهم، ش 32: 149-171.
- عمید زنجانی، عباسعلی (1367). انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن. [بی‌جا]: کتاب سیاسی.
- فاضلی‌نیا، نفیسه (1388). «ظرفیتهای انقلاب اسلامی در راستای زمینه‌سازی ظهور منجی». مشرق موعود، ش 11: 185-200.
- کلینی، محمد بن یعقوب (1375). اصول کافی. ترجمه جواد مصطفوی. [بی‌جا]: ولی عصر.
- کورانی، علی (1375). عصر ظهور. ترجمه عباس جلالی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- محمدی ری‌شهری، محمد (1372). میزان‌الحکمه. قم: مکتب‌العلوم اسلامی.
- مطهری، مرتضی (1362). پیامون انقلاب اسلامی. قم: صدرا.
- **Holly Qoran**
- A group of writers, (2012). **Tamadon e Novin e Islami**, Qom: International Center for Translation and Publishing of Al-Mustafa.
- Abazari, Mahmoud, (2004). "Mahdism in the thought of the martyr **Morteza Motahhari**", Qom: Quarterly Expectant, Volume 4, Issue 11 & 12, pp. 386 to 373.
- Abdul Hamid, Abolfamd, (1991). **Mabani e Siasat**, Tehran: Toos.
- Akhavan Singh, Hamid Reza, (2002). **Ideology e Engiab e Iran**, Tehran: Imam Khomeini Research Center and Islamic Revolution.
- Al-Nabi, Seyyed Mohsen, (2017). "**The Islamic Revolution beginning or prefacing of appearance**", Qom: Mahdavi Quarterly Researches, 20, pp. 133-152.
- Amid-Zanjani, Abbas Ali, (1987). **Englab e Islami va rishehaye An**, political book publishing.
- Anvari, Hassan (2003). **Farhang e sokhan**, Tehran: Speech.
- Aref, Bijan, (2016). "**The Role of Irans Doctrine in Islamic Awakening**", Tehran: Political Quarterly, Third Year, No. 12.
- Azarashin Fam, Saeed, (2014). **Maaref e mafdaviyat**, Qom, Book Garden.
- erfani, Amir Mohsen, (2010). "**The role of the Islamic Revolution of Iran in changing of Doctrine of mahdaism Attitade**", Qom: Specialized Quarterly Expedition, tenth, thirteenth, pp. 149-171.
- Fazelinia, Nafiseh, (2009). "**The capacities of the Islamic Revolution in order to Prefacing for Appearance of the savior**," Qom: The Promised Islamic Quarterly, 11, 185 to 200.
- Jalali, Gholam Reza, (1999). "**The Stages of the Formation of the Islamic State in the Expression and Fingers of Imam Khomeini**", Qom: The Quarterly of the Area, 94 and 95.

- Khomeini Imam, Ruhollah, (1989). **Sahifeh Noor**, Volume 12, Tehran: Institute for the Setting up and Publishing of Imam Khomeini Works (RA).
- -----, (1993). **Sahifeh Noor**, Volume 18, Tehran: Institute for the Setting up and Publishing of Imam Khomeini Works (RA).
- -----, (1978). **Velayat-e Faqih**, Tehran: Sepehr.
- -----, (1988). **Sahifeh Noor**, J 21, Tehran: Islamic Revolutionary Cultural Organization.
- Koleini, Mohammed ibn Ya'qub, (1996). **Osoul e Kafi**, Vol. 8, Translator: Javad Mostafavi, Valiasr Publishing, First Edition.
- Kourani Ali, (1996). **Asr e zohour**, Translated by Abbas Jalali, Tehran: Islamic Advertising Organization.
- Motahari, Morteza, (1983). **Piramon e Englab e Islami**, Qom: Sadra Publications.
- Parhizgar, Gholamreza, (2014). **Englab e islami va Roshd e mahdaviyat dar Iran**, Qom: Imam Khomeini Institute of Education and Research.
- Pour Seyed Aghaei, Seyed Masoud, (2007). "**Mahdism and Approaches**", The Letter of Promise, First Year, No. 4.
- Rey Shahri, Mohammad Mehdi, (1993). **Mizan Al-Hekma**, Q1, Qom: Islamic school.
- Samadi, Ghanbari, (2011). "**Future Perspectives from the Perspective of Islam and the End of History**", Quarterly, Kousmarayf, 18, Tehran: From 91 to 132.
- Shafie Sarvestani, Ibrahim, (2009). "**Prefcing of Appearance, The Purpose of Islamic Revolution**", Tehran: Prophet, 14th century, 108, pp. 100-118.
- -----, (2007). "**The Islamic Revolution and the Expectant Culture**", Tehran: The Promised Monthly, thirteenth, 96th, from 2 to 66.
- Shojaei Mehr Reza, Lakzai Najaf, (2018). "**Applying the doctrine of Mahdism in the Political Sky. of the Islamic Revolution**", Qom: Promised Eastern, 46, pp. 249-272.
- Shojaei Mehr Reza, (2010). **Bazkhani Hoviyat e Englab e Islami ba Takid bar Amouzeh mahdaviyat dar Taffakor e Shia**, Qom: Bagher Al-ulum University, Faculty: Education, Philosophy and Islamic Theology.
- Taheri, Seyed Mehdi, (2009). "**An Analysis of the Prefacing of the Univers of the Revolution of the Honour Mahdi (Aj) in the Islamic Revolution of Iran**", Tehran: The Thesis and Political History of Contemporary Iran, Nos. 86 and 87, pp. 64-69.
- Tony, Mojtaba, (2010). **MoUd nameh**, Qom: Famous and Legitimate Enduring.

